

فارسی هشتم درس ۱۲ شیر حق

از علی آموز اخلاص عمل

شیر حق را دان منزّه از دغل

اخلاص در عمل را باید از حضرت علی (ع) یاد بگیری، آن شیر خدا را از هر حيله و نیرنگی، پاک و منزّه بدان.

در غزا بر پهلوانی دست یافت

زود شمشیری بر آورد و شتافت

حضرت علی در یکی از جنگ‌ها بر پهلوانی چیره شد و بی درنگ شمشیری برون آورد که کارش را بسازد.

او خَدو انداخت بر روی علی

افتخارِ هر نبی و هر ولی

اما آن پهلوان، بر چهره‌ی آن حضرت، آب دهان انداخت شخصیتی بزرگ که باعث افتخار پیامبران و اولیاء خداست.

در زمان انداخت شمشیر آن علی

کرد او اندر غزایش کاهلی

علی (ع) بی درنگ شمشیر را از دستش انداخت و او از جنگ با آن پهلوان عرب دست کشید.

گشت حیران آن مبارز، زین عمل

وز نمودن عفو و رحم بی محل

آن پهلوان از این کار علی (ع) و از اینکه بدون مناسبت عفو و بخشش کرد شگفت زده شد.

گفت: بر من تیغ تیز افراستی

از چه افکندی، مرا بگذاشتی؟

آن پهلوان گفت: ای علی، تو که بر من شمشیر تیز کشیدی، پس چرا آن را انداختی و مرا نکشتی؟

گفت: «من تیغ از پی حق می‌زنم

بنده حقم نه مأمور تنم

حضرت علی گفت: من برای رضای حق، شمشیر می‌زنم، بنده حق تعالی هستم و مأمور نفس و جسم خودم نیستم.

شیر حقم، نیستم شیر هوا

اخلاص: پاک بودن، یکرنگی

منزّه: پاک، پاک دامن

دغل: مکر و حيله

شیر: استعاره از حضرت علی (ع)

اخلاص، دغل: تضاد

غزا: جنگ

دست یافتن: کنایه از پیروز شدن

خَدو: آب دهان، تف

نبی: پیامبر

ولی: سرپرست

نبی، ولی: مراعات نظیر

هر، بر: جناس ناهمسان اختلافی

در زمان: فوراً، بی درنگ

کاهلی: سستی، در اینجا درنگ کردن

شمشیر، غزا: تناسب

حیران: تعجب

وز: مخفف و از

عفو: بخشش، رحم

آن مبارز: استعاره از پهلوان

عفو، رحم: تناسب

تیغ: شمشیر

بگذاشتی: رها کردی

حق: خدا، راستی

تن: مجاز از جسم

شیر حقم: تشبیه

شیر هوا: اضافه تشبیهی فعل: رفتار، کردار گوا: شاهد شهوة: میل، هوس، هوی آز: حرص، طمع بادخشم، بادشهوة، باد آز: اضافه تشبیهی خشم، شهوة، آز: مراعات نظیر سزا: شایسته	فعلِ من بر دینِ من باشد گوا من شیر خدا هستم نه شیر هوا و هوس (من برای خدا با تو مبارزه می‌کنم نه برای جسم و هوس خودم) رفتار و عملم، گواهی می‌دهد بر دین و ایمانم. باد خشم و بادِ شهوة، بادِ آز برد او را که نبود اهل نماز خشم و هوس های نفسانی و حرص و طمع کسی را از بین می برد که اهل نماز نباشد تیغ را دیدم نهان کردن سزا چون در آمد در میان، غیر خدا وقتی اندیشه های غیر خالصانه و غیر خدایی به میان آمد شایسته دیدم که شمشیرم را پنهان کنم و به رویت شمشیر نکشم مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول
---	---

خود ارزیابی

۱- در بیت اول، به کدام صفات حضرت علی اشاره شده است؟

شیر خدا منزله از دغل - خالص بودن برای خدا

۲- کدام بیت با مفهوم عبارت «الاعمالُ بالنیات» مناسبت دارد؟

گفت: «من تیغ از پی حق می‌زنم بنده حقم نه مأمور تنم

۳- مولوی، در بیت نهم، بر چه نکته‌ای تأکید دارد؟

کار را برای خدا انجام دادن نه برای خلق خدا.

دانش زبانی

وابسته‌های اسم (۳)

صفت پرسشی، صفت تعجبی

به جمله‌های زیر، توجه کنید.

شما **کدام** ورزش را دوست دارید؟

چند کارگر در کارگاه کار می‌کنند؟

در گروه‌های اسمی مشخص شده، کلمه‌ای که قبل از اسم آمده است، «صفت پرسشی» است که درباره نوع، چگونگی یا مقدار اسم، پرسش می‌کند. **صفت پرسشی**، **پیش از اسم** می‌آید و **وابسته پیشین** اسم به شمار می‌آید.

اکنون به جمله‌های زیر، توجه کنید.

چه باغ باصفائی است!

عجب سخن ارزشمندی گفتی!

در هر یک از گروه‌های اسمی بالا، کلمه قبل از اسم، «صفت تعجبی» است و احساس و عاطفه گوینده را درباره اسم، بیان می‌کند. **صفت تعجبی پیش از اسم** می‌آید و **وابسته پیشین** اسم، شمرده می‌شود. اکنون در جدول زیر، به جایگاه وابسته‌های اسم، در گروه‌های اسمی، توجه کنید.

گروه اسمی		
هسته گروه	وابسته پیشین	
	صفت تعجبی	صفت پرسشی
ورزش	-	کدام
کارگر	-	چند
باغ	-	چه
سخن	عجب	-

گفت و گو

۱- حدیثی از پیامبر اسلام بیاید که در آن به مفهوم مصراع «افتخار هر نبی و هر ولی» اشاره شده باشد؛ سپس در کلاس درباره آن گفت و گو کنید.

علی (ع) در همان کودکی با پیامبر زندگی می کرد. یعنی برادرهای حضرت ابوطالب، به خاطر فقر حضرت ابوطالب، هر کدام فرزندی از او بردند تا بزرگ کنند. حضرت محمد (ص) نیز حضرت علی (ع) را به خانه آورد تا بزرگ کند. علی (ع) تربیت یافته حضرت رسول بود. با ایشان زندگی می کرد و با ایشان هم کلام و هم صحبت بود. او یار و یاور پیامبر بود و همیشه در کنارش. بعد از اعلام نبوت نیز در کنار پیامبر ماند.

۲- درباره راه های درست مبارزه با خشم نابجا با دوستان خود گفت و گو کنید.

بزرگان دین، روانشناسان و... توصیه می کنند که در موقع عصبانیت تصمیم نگیرید. مخصوصاً اگر عصبانیت بی جا و بی موقع باشد. موقع عصبانیت چند قدم راه بروید، لیوانی آب بنوشید، تغییر موقعیت دهید تا آرام شوید و...

فعالیت های نوشتاری

۱- برای هر یک از واژه های زیر، دو هم خانواده بنویسید.

اخلاص: خلوص - خالص حق: حقوق - حقیقت مأمور: امر - امور

۲- معادل معنایی واژه «اسد» را از متن درس بیاید و با آن یک تشبیه بسازید و ارکان آن را مشخص کنید.

اسد به معنی شیر است.

محمد (مشبه) مانند (ادات تشبیه) شیر (مشبه به) شجاع (وجه شبه) است.

۳- جاهای خالی نمودار زیر را با نوشتن کلمات مناسب کامل کنید.

گروه اسمی		
وابسته پیشین	هسته	وابسته پسین
صفت پرسشی	اسم	صفت بیانی
چه	انشای	زیبایی
عجب	لباس	گران قیمتی

۴- گروه‌های اسمی مشخص شده در جمله‌های زیر را به هسته و وابسته تجزیه کنید و در جدول قرار دهید.

چه انشای زیبایی را نوشته‌ای!

عجب لباس گران قیمتی را بخشیدی!

چه پرسش دقیقی از معلم پرسیدی!

گروه اسمی		
وابسته پیشین	هسته	وابسته پسین
صفت تعجبی	اسم	صفت بیانی
چه	انشای	زیبایی
عجب	لباس	گران قیمتی
چه	پرسش	دقیقی

املا

برخی از واژه‌ها در زبان فارسی، به دو شکل نوشته و خوانده می‌شود؛ بی آنکه در معنای آنها تغییری ایجاد شود.

همه کار ایام درس است و پند دریغا که شاگرد **هشیار** نیست
در هنگام نوشتن این کلمات لازم است به تلفظ واژه و املاي درست آن دقت و توجه کافی داشت؛
مانند:

هوشیار / هشیار	اینشتین / انشتین	دوم / دوم	نُشادر / نوشادر
ربات / روبات	پُرُفسور / پرفسور	هیئت / هیأت	هیجده / هجده
واگن / واگون	میلیون / میلیون	چارپاره / چهارپاره	تزئین / تزئین

بیشتر بدانیم: کلمات دو تلفظی

تلفظ ۱	تلفظ ۲	تلفظ ۱	تلفظ ۲	تلفظ ۱	تلفظ ۲	تلفظ ۱	تلفظ ۲
اُسْتَوَار	اُسْتَوَار	اَسْمَان	اَسْمَان	اَشْمَان	اَشْمَان	اَشْنَا	اَصَالَت
اَصَالَت	اَصَالَت	اَشْنَا	اَشْنَا	اَشْمَان	اَشْمَان	اَشْنَا	اَصَالَت
بَرُومند	بَرُومند	بُقَاع	بُقَاع	بِقَاع	بِقَاع	بِقَاع	بِقَاع
تِلَاوت	تِلَاوت	ثَبَات	ثَبَات	ثَبَات	ثَبَات	ثَبَات	ثَبَات
چَنان	چَنان	حَمَاسه	حَمَاسه	حِمَاسه	حِمَاسه	حِمَاسه	حِمَاسه
دِلَالَت	دِلَالَت	رَايگان	رَايگان	رَايگان	رَايگان	رَايگان	رَايگان
شِبَاهَت	شِبَاهَت	شَجَاعَت	شَجَاعَت	شَجَاعَت	شَجَاعَت	شَجَاعَت	شَجَاعَت
عِدَالَت	عِدَالَت	عِطَر	عِطَر	عِطَر	عِطَر	عِطَر	عِطَر
عَوُض	عَوُض	قَبَاله	قَبَاله	قَبَاله	قَبَاله	قَبَاله	قَبَاله
گَمَان	گَمَان	گَوَاه	گَوَاه	گَوَاه	گَوَاه	گَوَاه	گَوَاه
مِهْرَبَان	مِهْرَبَان	نَبَوْت	نَبَوْت	نَبَوْت	نَبَوْت	نَبَوْت	نَبَوْت
نُقَاط	نُقَاط	نَمَاد - نَمَاد	نَمَاد - نَمَاد	نَمَاد	نَمَاد	نَمَاد	نَمَاد
هَدِيه	هَدِيه	وُجْدَان	وُجْدَان	وُجْدَان	وُجْدَان	وُجْدَان	وُجْدَان

حکایت

ان شاء الله

آورده‌اند که، مردی در راهی می‌رفت و درمی چند در آستین داشت و در عقیدتش خلل بود. یکی او را گفت: کجا می‌روی؟ گفت: درمی دارم؛ به خر فروشان می‌شوم تا خزی خرم. گفت: بگو ان شاء الله! گفت: به ان شاء الله چه حاجت است؟ که زر بر آستین است و خر در بازار! او بگذشت. در راه طرّاری به وی بازخورد و آن زر به حیلَت ببرد. چون آن مرد واقف شد که زر ببرند، خجل‌وار بازگشت به اتفاق، هم آن مرد به او بازخورد و گفت: هان! خر خریدی؟ گفت: زر ببرند، ان شاء الله در آن موضع باید گفت تا فایده دهد!

رُوح الارواح، سَمَعانی

درمی: پولی، سگه

عقیده: باور، اعتقاد

خلل: تباهی، رخنه، آشفتگی

خر: ابریشم

خری، خرم: جناس ناقص اختلافی

حاجت: نیاز

زر: طلا

طرّار: دزد، راهزن

بازخورد: کنایه از برخورد کردن

حیلَت: فریب، تدبیر

واقف: آگاه، مطلع

خجل‌وار: شرم‌منده

موضع: جایگاه، مکان

فایده: سود، اثر

